



تحلیل مهاجرت و تحرک مکانی به نواحی روستایی استان گیلان

دکتر تیمور آمار^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۹

چکیده:

شناسایی روندهای جابه‌جایی و تحرک درون سرزمینی جمعیت باعث می‌شود تا سیاست‌گذاری‌های جمعیتی بر پایه اطلاعات متقن و مبتنی بر واقعیت‌های موجود باشد. این مقاله با رویکردی جغرافیایی، ابعاد مهاجرت و تحرک مکانی به نواحی روستایی گیلان را به استناد جمع‌آوری اطلاعات از کل روستاهای استان بررسی و تحلیل نموده است. بر اساس اطلاعات اخذ شده ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده است، که ۷۵ درصد به صورت موقت و در قالب مهاجرت‌های معکوس و ۲۵ درصد نیز اسکان دائم در قالب مهاجرین بازگشتی هستند. مهاجرت‌های معکوس عمدتاً به سمت روستاهای جلگه‌ای و کوچگاه مهاجرین دائم عمدتاً روستاهای کوهستانی استان بوده است. روستاهای شهرستان رشت با ۳۷/۴ درصد، لاهیجان با ۷.۶ درصد و رودسر با ۷ درصد به ترتیب بیشترین میزان استقرار در روستاها را تجربه کرده‌اند. استان تهران با ۴۷ درصد و استان‌های اصفهان با ۱۲/۸ درصد، اردبیل با ۹/۹ درصد و البرز با ۵/۹ درصد مهم‌ترین استان‌های مهاجر فرست به روستاهای استان محسوب می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این حرکت جمعیتی تابعی از جریان مدرنیزاسیون، نابسامانیهای زندگی در شهرهای پرجمعیت، مخاطرات اقلیمی و کمبود آب در استانهای مرکزی و جنوبی، رونق گردشگری و گذران اوقات فراغت و بالاخره فراغت از کار و بازنشستگی است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، تحرک مکانی، مهاجرت به روستا، مهاجرت معکوس و بازگشتی، استان گیلان

* Amar@iaurasht.ac.ir

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.

مقدمه

مهاجرت و تحرک مکانی از مؤلفه‌های اصلی تغییر و تحول جمعیت است. این پدیده از نظر گستره جغرافیایی به جابه‌جایی‌های برون سرزمینی و دورن سرزمینی تقسیم‌بندی می‌شود. مهاجرت‌های داخلی در هر کشور بر اساس روند شکل‌گیری و تبعیت از جریان کلی و عمومی هر کشور یا بر اساس سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی و همچنین سیاست‌های تشویقی و بازدارنده از «نقاط روستایی به سمت شهرها»، یا به صورت معکوس از «شهرها به سمت روستاها» شکل می‌گیرد. به‌علاوه اینکه مهاجرت از جنس «شهر به شهر» و «روستا به روستا» نیز در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد.

مهاجرت و تحرک جمعیت به سمت نواحی روستایی مانند سایر اشکال مهاجرت، مورد توجه قرار نگرفته است. چراکه علل مهاجرت روستا-شهری شناخته شده است در حالی که دلایل مهاجرت و تحرک به سمت نواحی روستایی هنوز به درستی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و به‌عنوان یک جریان نوظهور در جابه‌جایی‌های درون سرزمینی مطرح است. واضح است که مهاجرت معکوس و بازگشت جمعیت به مناطق روستایی از نظر اندازه و ویژگی در طول زمان بر جمعیت تأثیر بسزایی دارد. جابجایی به سمت نواحی روستایی چه به‌واسطه بهره‌مندی از مزیت‌های زندگی در این مناطق، و چه به دلیل علقه‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی بواسطه مزیت‌های اقتصادی در حوزه کسب و کار به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در این جوامع ظهور کرده و استثناء جغرافیایی نیز ندارد. لیکن در استان‌های شمالی از سابقه و حجم بیشتری برخوردار است. چرا که دلایل کوچ بسمت شمال کشور علاوه بر اینکه از الگوهای رایج جابجایی شهری-روستایی تبعیت می‌کند نمایانگر مشکلات حاد اقلیمی در استان‌های مرکزی و جنوبی کشور و مصائب زندگی شهری در استان‌های پرجمعیت تهران، البرز و قزوین نیز می‌باشد. این جریان در ابتدا بصورت پاندولی (رفت و برگشتی) و سپس به تملک زمین و ساخت مسکن رسید و تعدد جابجاییها و اسکان در روستاهای شمال کشور را افزایش داد.

گیلان به‌واسطه موقعیت جغرافیایی و شرایط اکولوژیکی ممتاز و منحصر بفرد مورد توجه مهاجرین بوده و این استان همواره از مقصدهای عمده سفرهای کوتاه مدت، میان مدت و مهاجرت‌های دائم بشمار می‌رود. در این بین نواحی روستایی بواسطه تمایزات طبیعی از سایر نواحی کشور همواره بعنوان یک انگیزه قوی با کشش بسیار بالا برای متقاضیان سکونت در این استان محسوب می‌شود، بویژه با بروز آسیب‌های محیطی و فشار اکولوژیک که قریب به دو دهه کشور را فرا گرفته و در پنج سال اخیر مضاعف شده است حجم مهاجرت به به گیلان را افزایش داده و تقاضا برای خرید زمین، مسکن و متعلقات آن به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش بوده است.

در طی چهل سال اخیر در استان گیلان سه حرکت جمعیتی تأثیرگذار در فضای جغرافیایی آن قابل ذکر است: مهاجرت از بخش غربی استان (عمدتاً از اردبیل و خلخال) و استان شرقی (مازندران)، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به رشت و شهرهای بزرگ استان و بالاخره مهاجرت از جنوب و مرکز کشور به استان است که در ده ساله اخیر رواج یافته است. از بین این سه نوع مهاجرت، الگوی سوم مهاجرت با بقیه متفاوت است، چرا که به صورت پراکنده در سطح مناطق شهری و روستایی استان دیده می‌شود در حالیکه تا پیش از این تمرکز مهاجران عموماً بر شهر رشت بوده است. نگاهی به سرشماریهای رسمی نشان می‌دهد که استان گیلان طی سه دوره سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ از نظر مهاجرپذیری در رتبه‌های ۸، ۹ و ۱۱ و از نظر مهاجرفرستی در رتبه‌های ۴، ۶ و ۹ قرار داشته است، که عمده‌تأ مهاجرفرستی‌ها به استان تهران و به منظور تامین شغل مناسب انجام شده است. اما روند تبادل مهاجرتی استان در طی دهه اخیر تغییر کرد و گیلان از یک استان مهاجرفرست تبدیل به یک منطقه مهاجرپذیر شد.



این مقاله باستناد یافته‌های میدانی به دنبال تحلیل جغرافیای اسکان مهاجرین (اقامت موقت یا دائم) در روستاهای استان گیلان است. بدیهی است داشتن اطلاعات و تحلیل صحیح از کمیت، کیفیت، خصوصیت و ویژگیهای جمعیت ورودی به روستاهای استان می‌تواند در بازشناسی الگوهای جابجایی، نحوه توزیع و پخش جمعیت، پیامدهای اسکان و چگونگی مدیریت براین جریان جمعیتی راهگشا باشد.

مبانی نظری

مهاجرت نوعی تحرک جغرافیایی و مکانی بین دو واحد جغرافیایی است که می‌تواند موقتی یا دائمی باشد (زنجانی، ۱۳۷۸: ۲۱۲). مهاجرت صرفاً یک مفهوم جمعیتی نیست بلکه ملاحظات اقتصادی، جغرافیایی، جامعه‌شناختی، فرهنگی، روانشناختی و حتی حقوقی در عینیت یافتن این مفهوم جایگاه مهمی دارند (ارشاد و مینا، ۱۳۸۹: ۶۳) دسته‌بندی و تفکیک مهاجرت‌ها با توجه به شاخص‌های مختلفی صورت می‌گیرد. دسته‌بندی و تفکیک بر مبنای برنامه‌ریزی، تعداد، زمان، مسافت، خواست مهاجرین و بالاخره قلمرو سیاسی از رایج‌ترین متغیرهای موثر در تشخیص و بازشناسی جریانهای مهاجرتی بحساب می‌آیند.

مهاجرت‌های داخلی بر اساس روند شکل‌گیری و تبعیت از جریان کلی و عمومی هر کشور یا بر اساس سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی و همچنین سیاست‌های تشویقی و بازدارنده از مبادی ورودی و خروجی از «نقاط روستایی بسمت شهرها»، یا بصورت معکوس از «شهرها بسمت روستاها» شکل می‌گیرد. مضافاً اینکه مهاجرت از جنس «شهر به شهر» و «روستا به روستا» نیز در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد. مهاجرت از روستاها بسمت نواحی شهری تحت تاثیر فرآیند مدرنیزاسیون و در پاسخ به تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه به‌ویژه نیاز به نیروی انسانی در بخش‌های روبه رشد اقتصاد در نقاط شهری است. به تعبیر دیگر مهاجرت «محصول گریز ناپذیر انتقال از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی است و در فرآیند تجربه شده در تمامی کشورهای است که این فرآیند را به شکلی اجتناب ناپذیر طی کرده‌اند» (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۴). گو اینکه جریان مهاجرت روستا-شهری واکنشی نسبت به کاستی‌ها و مشکلات موجود در جامعه روستایی است که سبب ساز حرکت جمعیت بویژه قشر جوان به سمت شهرهاست. با این حال گستردگی ابعاد این جابجایی و پیامدهای آن در نواحی روستایی را می‌توان «در آثار جمعیتی (برهم خوردن نسبت جنسی در مناطق شهری و روستایی) نتایج اقتصادی (از دست دادن سرمایه انسانی روستا) پیامدهای اجتماعی-فرهنگی (غلبه مدرنیسم در ساختار خانواده روستایی و فروپاشی اهرم‌های سنتی قدرت) و نتایج سیاسی (فرار مغزهای روستایی) برشمرد (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

شکل‌گیری مهاجرت معکوس و حرکت جمعیت از شهرها به سمت نواحی روستایی از کشورهای مانند ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی، استرالیا، نیوزیلند، کانادا و ژاپن بوده است (قاسمی و نوبخت، ۱۳۹۵: ۴۱). مهاجرت معکوس به تعابیر مختلفی مطرح و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برون‌شهرنشینی، شهرنشینی جابجاشونده (امانپور، ۱۳۹۷). جریان ضدشهرنشینی (لوکاس، ۱۳۸۱: ۱۶۶)، و نمادی از «شهرگرایی نواحی روستایی» (pacion, 1985:183) نام برده

می‌شود. از جریان ضد شهرنشینی تعبیر به فرایند عدم تمرکز و حرکت از یک وضعیت متمرکز تر به یک وضعیت کم تمرکز می‌شود (Lucas & meyer, 2002:166)

ضمن این که مهاجرت معکوس را حاصل و نتیجه «تراکم زدایی»، «تغییر رفتار مهاجرتی جمعیت»، «تغییر شرایط اقتصادی و توزیع مجدد اشتغال و سکونت» (قاسمی اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵) و «پایان کار و فعالیت و بازگشت به روستا» (Morton, 2020) می‌دانند و برای تطبیق معنایی و مفهومی از اصطلاحاتی مانند «جمعیت مهاجر شناور» (Hui xu, 2010) و «چرخش جمعیت»، «چرخش به عقب» و «شبه مهاجرت» (Wiltshire, 1979) نیز استفاده می‌شود. و بالاخره این که حرکت جمعیت به سمت نواحی روستایی را نتیجه «تغییر ماهیت در فرایند مدرنیزاسیون»، «رشد گردشگری و نیاز به گذران اوقات فراغت» نیز می‌دانند. آنچه از تجربه شکل‌گیری و گسترش مهاجرت معکوس به دست آمده نشان از وضعیت ارگانیک و غیربرنامه‌ریزی شده این حرکت جمعیتی است که با توجه به تغییر شرایط و باز تعریف از شیوه زندگی و سبک کار و فعالیت و همچنین پیدایش نیازهای نوین در عرصه زندگی باعث حرکت جمعیت از شهرها به سمت نواحی شهرروستایی می‌شود. با توجه به جمیع نظرات مهاجرت از شهر به روستا (بعنوان بخشی از جابجایی‌های داخل مرزهای اداری - سیاسی کشور) مهاجرت معکوس خوانده می‌شود و اگر این جابجایی شامل بازگشت مهاجرین روستایی به موطن خود باشد مهاجرت بازگشتی نامیده می‌شود (منافی آذر و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۲) به عبارت دیگر بازگشت انتخابی مهاجران بعد از یک دوره قابل توجه به مبدا را مهاجرت بازگشتی گویند (همان) که این بازگشت بیش از آنکه متأثر از دلایل ناهنجار در مناطق شهری باشد به جذابیت‌های اسکان در نواحی روستایی مرتبط است.

«شاریه» معتقد است ریشه مهاجرت‌های شهری-روستایی در سه موضوع قابل تحلیل است: بازگشت شهرنشینان به اراضی کشاورزی و انجام فعالیت بر روی اراضی خود، فرصت‌های اشتغالی که صرفاً در اختیار روستانشینان قرار می‌گیرد، و بازنشستگی که به دلایل اقتصادی، بوم‌شناختی و کیفیت زندگی راهی روستاها می‌شوند و زندگی در مناطق روستایی را بر شهر ترجیح می‌دهند (شاریه، ۱۳۷۳: ۱۱). سرآغاز مهاجرت معکوس بر اساس شهرگرایی نواحی روستایی در سکونتگاه‌های بلافصل شهرهای بزرگ و پیرامون آنها بوده و دامنه این حرکت بتدریج به سمت سایر شهرها و در مجموع شامل تمامی روستاها (حتی در دورترین نقاط با امکانات ضعیف) هم می‌شود. بر مبنای این تحول تدریجی انگیزه‌های حرکت به سمت روستاها نیز متفاوت است.

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلیل جابجایی از شهرها به سمت روستاهای اطراف در شهرهای بزرگ عمدتاً اقتصادی و برای دسترسی به شغل بهتر یا مسکن ارزانتر می‌باشد (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲). اما با گسترش دامنه این جریان جمعیتی انگیزه‌های

جابجایی نیز از دلایل صرفاً اقتصادی به سمت انگیزه‌های اجتماعی و خدماتی میل کرده و دسترسی به مزیت‌های زندگی در نواحی روستایی و ارتقاء کیفیت زندگی در راس عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های شهری-روستایی قرار می‌گیرد. با توجه به توضیحات فوق در مفهوم مهاجرت از نقاط شهری به سمت روستاها حداقل به سه اصطلاح رایج می‌رسیم که تحلیل مسائل مربوط به این جریان جمعیتی را فهمیدنی‌تر:

- ✓ گروه اول مهاجرین آزرده از نابسامانی‌های شهر که روستا را گریزگاه و مامنی برای استراحت و گذران اوقات فراغت انتخاب می‌کنند (مهاجرت معکوس)
- ✓ دسته دوم افرادی که با ریشه روستایی در برهه‌ای از زمان به شهر مهاجرت کرده و پس از فراغت از کار و ایام بازنشستگی مجدداً به روستا بازگشته‌اند (مهاجرین بازگشتی)
- ✓ بخش سوم ساکنان دائمی روستاها که محل کار آنها شهر و روستا بعنوان محل سکونتشان محسوب می‌شود. این بخش از جمعیت عموماً در روستاهای بلافصل مراکز شهری (بویژه شهرهای پرجمعیت) اسکان داشته و روزانه بین روستا و شهر جابجایی شوند (جابجایی پاندولی یا آونگی)

در سطح بین‌المللی، مهاجرت معکوس مترداف با بازگشت مهاجرین از کشور مقصد به موطن اصلی خودشان یعنی کشور مهاجر فرست است، در حالی که در ایران بیشتر به بازگشت مردم از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک یا از شهرها به مناطق روستایی مربوط می‌شود. انگیزه اصلی این نوع جابجایی گذران اوقات فراغت و دوری از مشکلات حاکم بر سکونتگاههای شهری است.

مهاجرت بازگشتی در یک فرایند سه مرحله‌ای (تولد و زندگی در روستا، مهاجرت به شهر و بازگشت مجدد به روستا) به وقوع می‌پیوندد. دلایل این رجعت را می‌توان در شهرها به‌عنوان عوامل دافعه (از قبیل هزینه بالای مسکن و زندگی، آلودگی‌های هوا و صوتی و فشار و استرس موجود در این نقاط) و در روستاها بعنوان عوامل جاذبه (هزینه پایین زندگی بویژه مسکن، آب و هوای مناسب و انعطاف روحی و روانی) جستجو نمود. این نوع مهاجرت بیشتر در سنین بزرگسالی و پیری (سن بازنشستگی) رخ می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که در برابر شرایط نابهنجار حاکم بر زندگی شهری، وجود کشش‌های قوی جغرافیایی و اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش ابعاد این نوع مهاجرت مؤثر بوده و در صورت ایجاد جذابیت‌های اقتصادی و رفاهی ابعاد مهاجرت به نواحی روستایی افزایش می‌یابد. بطور مثال «واگذاری اراضی مستعد کشاورزی در قطعات ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ مترمربعی به بازنشستگان علاقه‌مند به تولید، دعوت از معلمان بازنشسته برای تدریس دروس تقویتی و آموزش در روستاها و مراکز تولیدی در هلند، و یا واگذاری اراضی مستعد و تجهیز شده برای کشت و زرع به متقاضیان (اعم از بازنشستگان و افراد بیکار علاقه‌مند به کار کشاورزی) در ایالت کالیفرنیا

آمریکا» (امانپور، ۱۳۹۷: ۴۲) از نمونه‌های بارز این جذابیت‌های اقتصادی برای تشویق به سکونت و فعالیت در روستاست.

در برخی نظریات مهاجران بازگشتی را به عنوان حاملان منابع محسوس و غیرمحسوس در نظر می‌گیرد همچنین مهاجران برگشتی، مهاجرانی هستند که پیوندهای قوی خود را با مکان سابق حفظ نموده‌اند ارتباطات مداوم، کمکهای اجتماعی و اقتصادی از عوامل اثرگذار در ترغیب مهاجران برای بازگشت به مبدأ هستند علاوه بر این الگوهای روابط متقابل بین فردی که ممکن است از تجربه گذشته مراجعه‌کنندگان حاصل شود، از منابع اصلی بازگشت مهاجران تلقی می‌گردد (میخک و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۵).

شکل سوم از جابجاییهای بین نواحی روستایی و نقاط شهری در حوزه‌های بلافصل روستایی در حاشیه شهرهای بزرگ شکل می‌گیرد. که از آن تعبیر به «روستائینی شهری» (نک به شاریه، ۱۳۷۳: ۱۱۸) می‌شود. در پیدایش این شکل از جابجایی بحران زندگی در مناطق شهری، جذابیت‌های زندگی در مناطق روستایی، و شبکه‌های حمل و نقل بسیار موثرند (شاریه، ۱۳۷۳: ۱۲۰).

در ارتباط با مهاجرت به نواحی روستایی منابع زیادی در قالب مهاجرت معکوس و مهاجرت‌های بین استانی و درون استانی با محوریت مسائل کلی یا عمومی و همچنین براساس پیامدها و اثرات در نواحی روستایی به رشته تحریر درآمده است. قدر مسلم ادبیات غنی مربوط به موضوع مورد بحث در چند منبع زیر خلاصه نمی‌شود و در چارچوب اهداف این طرح و مطالعات کتابخانه‌ای به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برخی از آثار نوشته شده در زمینه موضوع این پژوهش

پدیدآورنده(سال)	نام اثر	نتایج و یافته‌ها
برومنندزاده، محمدرضا و رضا نوبخت (۱۳۹۰)	نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت	این مقاله تلاش نموده تا بخشی از این نظریات خصوصا نظریات جدید و در رابطه با حرکات جدید مهاجرتی مثل حرکات برگشتی مهاجران، انطباق یا فرهنگ پذیری از جامعه میزبان بپردازد.
رضایی، احمد (۱۳۸۴)	تنوع فرهنگی در استان گیلان	این مقاله ضمن بازخوانی ریشه استقرار و شکل گیری آنها، تحولات تاریخی پخش و گسترش اقوام را در این استان به تفکیک شهرستانهای مختلف بیان می‌کند.
حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵)	مروری بر نظریات مهاجرت	این مقاله مروری تاریخی به تئوریه‌ها و مدل‌های ارائه شده در عرصه مهاجرت داشته و با بیان الگوهای کلاسیک امتداد این نظریات را در قالب تحولات تاریخی، دلایل اقتصادی، و انگیزه های اجتماعی-فرهنگی در شکل گیری جریانهای مهاجرتی در دنیا می‌پردازد.
شجاعی، جواد (۱۳۹۲)	سیاست‌های آمایش جمعیت	توزیع مکانی جمعیت رابطه مستقیمی با شرایط مطلوب جغرافیایی و سطح توسعه دارد فلذا چگونگی توزیع جمعیت در کشور از اساسی ترین عواملی است که سیاستگذاران برای کنترل جمعیت و جهت دادن به جابجاییهای جمعیت بدان توجه دارند
ظواهری،	تحلیلی برتأثیرات	نتیجه مطالعه بر وجود ارتباط تنگاتنگ بین کلانشهر تبریز و روستاهای

<p>خوابگاهی مورد مطالعه با توجه به نزدیکی روستاهای مورد مطالعه با مرکز شهرها، دلالت داشته است. درباره مهاجرت معکوس نیز: "تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" در روستا را تأیید کرد.</p>	<p>متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس</p>	<p>محمد (۱۳۹۰)</p>
<p>نتایج این بررسی نشان داد که استانهای البرز، تهران، اصفهان، گیلان و مازندران پهنج استان مهاجرپذیر و استانهای خوزستان، کرمانشاه، لرستان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری استانهای مهاجرفرست محسوب می شوند. در بیان علل حرکت و جابجایی نیز به متغیرهایی چون جمعیت، نرخ بیکاری، فاصله جغرافیایی، همسایگی، میزان شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت در مبادا و مقصد اشاره شده است.</p>	<p>عوامل مؤثر بر مهاجر تهای استانی با استفاده از مدل جاذبه</p>	<p>میرزا مصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲)</p>
<p>یافته های پژوهش نشان میدهد که میان متغیرهای سطح توسعه، شرایط نامساعد شهری، میزان درآمد افراد و تعلقات قومی و بومی از یک طرف و مهاجرت معکوس از طرف دیگر رابطه مستقیم وجود دارد.</p>	<p>فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن</p>	<p>علی بابایی، مجتبی و جمعه پور، محمود (۱۳۹۵)</p>
<p>نتایج بیانگر تغییر الگوهای جریان مهاجرتهای داخلی به سمت افزایش مهاجرتهای بیرون استانی است مهاجرت های بین استانی از ۳۵ درصد در دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۴۰ درصد در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ افزایش یافته است</p>	<p>روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استانهای ایران</p>	<p>حسینی، قربان و همکاران (۱۳۹۷)</p>
<p>یافته های این پژوهش نشان داد که شهرستانهای نواحی مرزی دارای مهاجرفرستی بالایی بوده و اکثریت شهرستانهای مهاجرپذیر در مرکز کشور قرار دارند. حدود ۶۱ درصد از کل مساحت کشور در زمره شهرستانهایی است که مهاجرپذیری بالایی دارند که شامل ۹۵ شهرستان می شود. در نقطه مقابل ۸۰ شهرستان مهاجرفرستی بالایی دارند</p>	<p>تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت بین شهرستانی در فضای سرزمینی ایران</p>	<p>قلندریان، ایمان و هاشمی داداش پور (۱۳۹۶)</p>
<p>نتایج این تحقیق نشان داد همه شهرستانهای کشور از الگوی رابطه واحد بین میزان توسعه یافتگی و مهاجرت پیروی نکرده و چهار الگوی رابطه مختلف بالا-بالا (افزایش توسعه یافتگی همراه با افزایش مهاجرت) پایین - پایین (کاهش توسعه یافتگی همراه با کاهش مهاجرت) بالا-پایین (افزایش توسعه یافتگی همراه با کاهش مهاجرت) و پایین-بالا (کاهش توسعه یافتگی همراه با افزایش مهاجرت) وجود دارد</p>	<p>تحلیل نوسانات فضایی تاثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران</p>	<p>صادقی، رسول و محسن شکرانی (۱۳۹۶)</p>
<p>نتایج نشان داد که میزان خالص مهاجرت کشور طی چهار دوره سرشماری نوساناتی داشته اما مساله قابل تامل در خالص مهاجرتی کشور توزیع فضایی این شاخص است</p>	<p>تغییرات الگوهای سکونتی ایران با تأکید بر مهاجرت داخلی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۰</p>	<p>شهبازین، عباسی و عسگری (۱۳۹۶)</p>
<p>نتایج این پژوهش نشان داد که شاخص هایی چون تهیه و اجرای طرحهای کالبدی، محرومیت زدایی و اشتغالزایی، کیفیت ارتباطات مجازی، نوع ادراک و نگرش و اندیشه روستاییان در مورد زندگی در روستا در گسترش ابعاد این پدیده مؤثر می داند</p>	<p>محرکهای مهاجرت بازگشتی را در روستاهای پیرامون شهر زاهدان</p>	<p>پایدار (۱۳۹۸)</p>
<p>بین بعد خانوار، همگونی قومی و خویشاوندی، میزان زمین و دارایی با انگیزه بازگشت به روستا رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، در حالی که بین محل سکونت شخص مهاجر، درآمد و پس انداز در شهر با میزان انگیزه برای بازگشت نشانگر رابطه منفی و معناداری است.</p>	<p>علل و انگیزه های مهاجرت بازگشتی در میان مهاجران روستایی در شهرستان خرم آباد</p>	<p>میخک، حافظی و صادقلو (۱۳۹۹)</p>
<p>افزایش زیاد جمعیت شهر سئول و شهرکهای اقماری آن که در واقع ناشی از ساختار اقتصاد کره است و آمایش فعالیتهای صنعتی و کارخانه ایی در سیاستهای کره جنوبی به عنوان کلید اصلی بازتوزیع جمعیت همیشه یک سیاست قابل توجیه بوده است، زیرا بخش صنعت،</p>	<p>مروری بر سیاستهای بازتوزیع جمعیت در کره جنوبی</p>	<p>کیم (۱۹۸۸)</p>

امکان تمرکززدایی را با سرعت بیشتری فراهم میکند	سیاست‌های داخلی مهاجرت در منطقه اسکاپ	آنه (۲۰۰۳)
هدف مشترک سیاست‌های جمعیتی در این منطقه، آهسته یا معکوس نمودن رشد جمعیتی شهرهای بزرگ و تشویق به مهاجرت معکوس بوده است	تغییرات آب و هوایی و هوایی بعنوان یک فاکتور دافعه در مهاجرت داخلی نقش دارد. خشکسالی بر ویژگی‌های جمعیتی به یک اندازه تاثیر گذار بوده است اما طول دوره خشکسالی و میزان آن تاثیر معنی داری در مهاجرت نداشته است.	دالمین و میلاک (۲۰۱۳)
تغییرات اقلیمی را در یک فرآیند ۴۵ ساله در شمال برزیل بررسی و اثر آنرا بر کشاورزی ناحیه و مالا مهاجرت تحلیل نموده و از تغییرات آب و هوایی بعنوان یک اهرم فشار برای مهاجرت نیروی انسانی به خارج از این منطقه یاد کرده اند.	اثرات اقتصادی تغییرات آب و هوایی را در شکل گیری و شتاب در مهاجرت	باربیری و همکاران (۲۰۱۰)
با توجه به شواهد تجربی مردم کشورهای در حال توسعه با مهاجرت در داخل کشور به تغییرات آب و هوایی پاسخ می دهند. شواهد در مورد رابطه بین تغییرات آب و هوا و مهاجرت بین المللی محدود است. ضمن اینکه تاثیر تغییرات آب و هوا بر تصمیمات مهاجرت به شرایط اقتصادی - اقتصادی، سیاسی و نهادی وابسته است. این شرایط بر آسیب پذیری در برابر تغییرات آب و هوا تأثیر می گذارد و از این رو تغییر آب و هوا در تعیین تصمیمات مهاجرت را بسیار مهم است.	تأثیر تغییرات آب و هوا بر مهاجرت داخلی و بین المللی: پیامدهای برای کشورهای در حال توسعه	مارینگر (۲۰۱۵)
این مطالعه نشان داد که بواسطه چالشهای زندگی شهری انگیزه بازگشت در بین مهاجرین روستایی زیاد است لیکن برای جذب مجدد در روستاها نیازمند فرصتهایی است که می بایست در نواحی روستایی ایجاد شود.	بازگشت به روستا؟ انگیزه‌هایی که در ترک روستاها در بنگلادش و سنگال مؤثر بوده و چشم اندازهایی که برای بازگشت باید در نظر گرفته شود.	پاول کاستل و همکاران (۲۰۱۸)

در مجموع دو موضوع محورهای اصلی بررسی‌های داخلی و خارجی در حوزه مهاجرت به نواحی روستایی را تشکیل می‌دهد. دغدغه برخی محققین در بررسی علل و عوامل شکل‌گیری این جریان جابجایی و برخی از پژوهشگران هم در خصوص پیامدهای مهاجرت به این نواحی مطالعات خود را شکل می‌دهند که البته این بررسی بر سابقه و شکل‌گیری این جریان و علل موثر بر آن متمرکز است و با رویکرد جغرافیایی تلاش نموده تا در بیان منابع هم بر این اساس حرکت نماید.

روش پژوهش

در این پژوهش که با هدف تحلیل الگوهای مهاجرتی به نواحی روستایی استان گیلان و تحلیل ابعاد اقتصادی- اجتماعی و امنیتی مهاجرت به روستاهای استان و تبیین سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی برای مدیریت و سازماندهی مهاجرت به استان و استقرار در نواحی روستایی بانجام رسید، در واقع این پرسش اساسی مطرح شد که روند جابجایی جمعیت به نواحی روستایی استان چگونه بوده

است؟ و الگوهای مهاجرتی به نواحی روستایی برحسب مبدأ مهاجرین، ویژگی‌های جمعیت مهاجر، و نحوه توزیع و استقرار مهاجرین چگونه است؟

بر این اساس پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسید و از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات (اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شد. در بخش میدانی داده‌های اصلی از متغیرهای تحقیق (تعداد مهاجرین و گونه‌شناسی آنها) از طریق مراجع محلی بویژه دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستا کل روستاهای استان اخذ شده است. تحلیل اطلاعات و ارتباط بین متغیرهای تحقیق نیز بصورت کیفی و از استدلال استقرایی (جز به کل) بهره‌گیری شده است. با توجه باینکه گستره طرح در سطح استان گیلان بوده و تحلیل متغیرهای آن نیاز به اطلاعات دقیق از کلیه روستاهای استان می‌باشد بنابراین در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات از جامعه آماری بصورت تمام شماری بوده است.

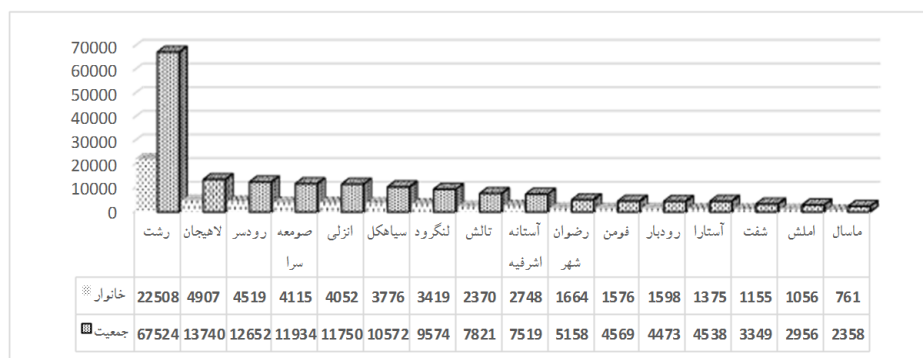
یافته های پژوهش

وضعیت مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان

روستاهای استان گیلان به واسطه مزیت‌ها و ویژگی‌های منحصر بفردی که دارند از قدیم الایام مورد توجه مهاجرین و ساکنان شهری بوده‌اند. سابقه گرایش به اسکان جمعیت در نواحی روستایی استان عمدتاً بواسطه نیازهای درونی استان و تقاضای جامعه شهری و همچنین تبعیت از تنوع اقلیمی (در فصول تابستان و زمستان) در قالب تابستان‌نشین و زمستان‌نشین بر می‌گردد. اما بتدریج بویژه در دو دهه اخیر موج تقاضا برای تملک زمین و ساخت مسکن فراتر از مرزهای اداری-سیاسی استان رفته و مهاجرینی از سرتاسر کشور را روانه استان نمود. بر اساس آخرین اطلاعات اخذ شده از مدیران روستاها و جمع‌بندی آن ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده‌اند که نحوه استقرار آنها به تفکیک شهرستان در نمودار زیر مشخص شده است. همانطور که اطلاعات نشان می‌دهد شهرستان رشت با ۶۷۵۲۴ نفر (حدود ۳۷.۴ درصد) از کل مهاجرین ورودی به نواحی روستایی استان را پذیرا شده و در روستاهای خود اسکان داده است.

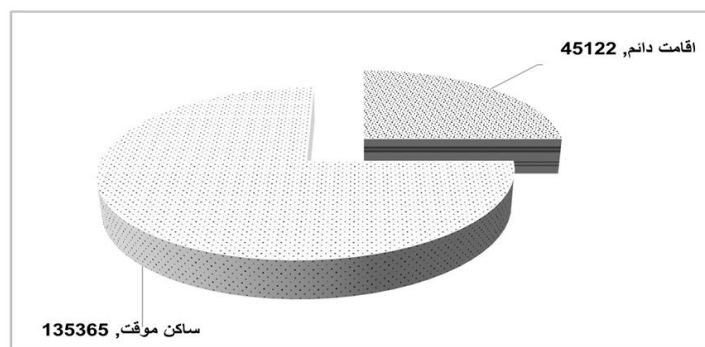
این موضوع با توجه به مرکزیت اداری-سیاسی استان، موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان، قابلیت‌ها و مزیت‌های بهتر این روستاها، و همچنین تعدد نقاط روستایی قابل توجه است. روستاهای شهرستان لاهیجان با ۷.۶ درصد و رودسر با ۷.۰۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. با توجه به شکل یک به نظر می‌رسد بین موقعیت جغرافیایی، وسعت و تعداد سکونتگاههای روستایی شهرستانهای استان و ضریب برخورداری روستاها از خدمات و تسهیلات زیر بنایی با میزان اسکان مهاجرین رابطه وجود دارد. بطوریکه چهار شهرستان آخر این رده‌بندی را می‌توان در

مشخصاتی مانند وسعت کم، و تعداد روستاهای کمتر و همچنین موقعیت ارتباطی (بویژه انزوای ارتباطی برخی سکونتگاه‌ها) مشترک دانست. نکته قابل توجه دیگر در این اطلاعات توزیع جغرافیایی مهاجرین با توجه به وضعیت طبیعی مناطق است. همانطور که مفاد جدول نشان می‌دهد ۶۵ درصد اسکان مهاجرین در شهرستان‌های رشت، لاهیجان، انزلی، آستانه اشرفیه، و لنگرود است که به لحاظ محیطی تقریباً در شرایط جلگه‌ای قرار گرفته‌اند.



شکل ۱- میزان مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان (مطالعات میدانی-۱۳۹۸)

از میزان جابجایی و مهاجرت به روستاهای استان گیلان و بر اساس اطلاعات میدانی اخذ شده ۲۵ درصد اقامت دائم و ۷۵ درصد نیز اقامت موقت دارند. بخش عمده‌ای از مهاجرینی که اقامت دائم دارند شامل مهاجرین بازگشتی هستند که به مبدا حرکت یا یکی از روستاهای نزدیک به محل تولد یا اقامت خود در روستا بازگشته‌اند. و از طرف دیگر مهاجرینی که اقامت دائم دارند عموماً شامل جابجائیهای معکوس (از شهر به روستا) هستند که از آن تعبیر به جریان ضد شهرنشینی نیز می‌شود.



شکل ۲- توزیع مهاجران ورودی به استان گیلان بر اساس مدت اقامت

وضعیت مهاجرین به تفکیک مبدأ حرکت و جابجایی

همانطور که گفته شد توجه به مناطق روستایی استان و تقاضا برای اسکان در این نواحی طی دو دهه اخیر شتاب زیادی داشته است. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که نظام اسکان و استقرار مهاجرین در استان بر حسب مبدأ حرکت تفاوت‌هایی را با یکدیگر نشان می‌دهد. نظام استقرار مهاجرین بر اساس مبدأ حرکت و چگونگی توزیع آنها در استان را در نمودار ۳ مشاهده می‌کنید.

همانطور که اطلاعات مندرج در نمودار نشان می‌دهد استان تهران به تنهایی ۴۷ درصد از کل مهاجرین ورودی به روستاهای استان را شامل می‌شود. در ارتباط با آمار مهاجرین از استان تهران یک شائبه قوی وجود دارد و اینکه واژه «تهرانی» به کلیه مهاجرین غیر بومی استان اطلاق می‌شود و علیرغم اصرار تیم کارشناسی جمع‌آوری کننده اطلاعات، بنظر می‌رسد جا افتادن این واژه برای مهاجرین در ارائه این اطلاعات موثر بوده است. اگرچه در اینکه استان تهران مهمترین مبدأ حرکت بسمت روستاهای استان است تردیدی وجود ندارد لیکن رقم ۴۷ درصد شاید در این ارتباط عدد صحیحی نباشد و در مورد آن (علیرغم حساسیت تیم مطالعاتی این تحقیق و راستی آزمایی اطلاعات جمع‌آوری شده در چند مرحله) تردید وجود دارد. استانهای اصفهان با ۱۲/۸ درصد، اردبیل با ۹/۹ درصد و البرز با ۵/۹ درصد در رده‌های بعدی مهمترین استانهای مهاجرفرست به روستاهای استان محسوب می‌شوند. طبقه‌بندی مهاجرت و تحرک مکانی به روستاهای استان به تفکیک استان نشان می‌دهد که عمده‌ترین جریانهای مهاجرتی در نزدیکترین استانهای کشور نسبت به استان گیلان اتفاق می‌افتد. تهران، اردبیل، قزوین، البرز، قم، و مازندران از جمله مهمترین استانهایی هستند که این حرکت جمعیتی از آنها بسمت گیلان صورت می‌پذیرد. در حالیکه بخش زیادی از مسیرهای مهاجرتی بسمت استان گیلان که در گروه زیر ۲۰ خانوار قرار می‌گیرند از نیمه جنوبی کشور بوده است.

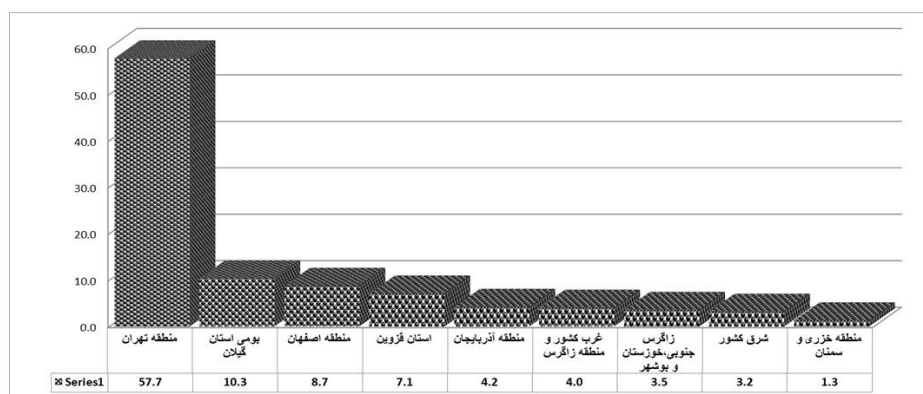
برای درک بهتر نسبت به خاستگاه مهاجرین ورودی به استان گیلان و نحوه استقرار آنها در سکونتگاه‌های روستایی استان، مناطق مهاجرفرست در هشت محدوده تفکیک شده (با در نظر گرفتن مهاجرین بومی در نه منطقه) که نتایج آن در شکل مشخص شده است.

همانطور که از مفاد این شکل مشخص است منطقه تهران (شامل استانهای تهران، قم و البرز) ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین را بخود اختصاص داده است. منطقه اصفهان با ۸/۷ درصد، استان قزوین ۷/۱ درصد و منطقه آذربایجان با ۴/۲ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. اگر منطقه خزری و استان سمنان (با ۱/۳ درصد) به مجموعه سه منطقه فوق (بجز منطقه اصفهان) اضافه نماییم این چهار منطقه در مجموع ۷۰/۳ درصد از کل مهاجران و جابجاییهای ثبت شده در روستاهای استان

را شامل می‌شوند. این موضوع تاکید بر متغیر فاصله و تأثیر آن بر کشش مهاجرتی بسمت روستاهای گیلان می‌باشد.

جدول ۱- طبقه بندی جریانهای مهاجرت و تحرک جمعیتی به روستاهای استان به تفکیک استان
ماخذ: مطالعات میدانی، تلفیق و محاسبه از نگارنده

استان (مبداء مهاجرین)	دامنه مهاجرفرستی (برحسب خانوار)
استان تهران	بیش از ۵۰۰۰ خانوار
اردبیل-اصفهان-گیلان	۴۹۹۹-۱۰۰۰ خانوار
آذربایجانشرقی-قزوین-البرز	۹۹۹-۵۰۰ خانوار
خراسان رضوی-فارس-قم-مازندران-مرکزی-همدان-یزد	۴۹۹-۱۰۰ خانوار
کرمانشاه-خوزستان	۹۹-۵۰ خانوار
آذربایجانغربی-زنجان-کردستان-کرمان-هرمزگان	۴۹-۲۰ خانوار
ایلام-بوشهر-چهارمحل و بختیاری-خراسان شمالی-سیستان و بلوچستان-کهگیلویه و بویراحمد-گلستان-لرستان	کمتر از ۲۰ خانوار



شکل ۳- توزیع جغرافیایی خاستگاه مهاجرین به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک مبدأ حرکت

حدود ۱۵/۴ درصد از کل مهاجرین از مناطق گرمسیری کشور و از استان‌های مرکزی، شرقی و جنوبی بسمت گیلان حرکت نموده و بصورت موقت یا دائم در این سکونتگاهها استقرار یافته‌اند. البته از ۹ استانی که خاستگاه مهاجرین از استانهای گرم و خشک کشور محسوب می‌شوند اصفهان

۸/۷ درصد) و استان فارس با ۲ درصد از کل مهاجرین بیشترین تعداد جابجاییها را بسمت گیلان داشته‌اند و بالاخره ۱۰/۳ درصد از جابجاییهای موقت و عمدتاً دایم بسمت روستاهای استان منشأ داخلی داشته و در قالب مهاجرت‌های روستابه روستا و شهر به روستا قابل تفکیک و بازشناسی هستند. در ادامه نگاهی عمیق‌تر به وضعیت خاستگاه‌های اصلی مهاجرت به نواحی روستایی استان خواهیم داشت و اطلاعات تفکیکی جهت تحلیل‌های بعدی ارایه می‌شود.

۱. منطقه شمالغرب: تعداد مهاجرین ورودی به روستاهای استان گیلان از این منطقه ۲۵۲۷ خانوار بوده که استان اردبیل با ۱۳۲۰ خانوار در رده اول و آذربایجانشرقی با ۱۱۵۶ خانوار در رده دوم قرار دارند. مقصد ۵۰ درصد از مهاجرین به شهرستان آستارا می‌باشد که با توجه به بعد فاصله و دروازه ورود به گیلان از سمت شمالغرب منطقی بنظر می‌رسد. ضمن اینکه پیشینه کهن‌تر مهاجرت‌ها به آستارا و همگنی قومی و زبانی این شهرستان و استان‌های شمالغرب نیز بر این جریان تاثیرگذار است. مهاجرین از این منطقه تقریباً در تمام مناطق روستایی استان سکونت دارند اما تعداد آنها در نواحی روستایی تالش، رشت، و لنگرود قابل ملاحظه است.

جدول ۲- مهاجرین ورودی از منطقه شمالغرب به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

شرح	املش	آستارا	کنده اشرف	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	سومعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
آذربایجان شرقی	۳۰	۲۹۳	۵۸	۲۲	۹۶	۰	۰	۴۵۶	۲۸	۲۶	۰	۲۱	۷	۰	۱۰۹	۰	۱۱۵۶
آذربایجان غربی	۰	۱۱	۰	۰	۹	۰	۴	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۵۱
اردبیل	۱۲	۹۷۸	۰	۰	۱۳۵	۳	۴۰	۲۱	۱۵	۷	۱	۳۵	۲۵	۲۷	۲۰	۱۳۲۰	
جمع کل	۴۲	۱۲۸۲	۵۸	۳۲	۲۴۰	۳	۴۴	۴۹۹	۴۳	۳۳	۱	۲۲	۴۲	۳۵	۱۴۱	۲۰	۲۵۲۷

۲. منطقه تهران: بالاترین حجم مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان از این منطقه صورت می‌گیرد. بر اساس جدول زیر تقریباً ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین ورودی به سکونتگاه‌های روستایی گیلان از این سه استان و ۸۳ درصد آنها از استان تهران به سمت گیلان جابجا شده و عموماً بصورت موقت در روستاها سکونت دارند.

جدول ۳- مهاجرین ورودی از منطقه تهران به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

شرح	املش	آستارا	کنده اشرف	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	سومعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
البرز	۴۵	۱۲	۳۰۸	۲۴۸	۸۱	۷۰	۱۵۲	۲۸۱۵	۳	۱۵۹	۳۸	۹۰	۱۴۱	۵۲۶	۱۸۵	۱۱۱	۴۹۸۵
تهران	۵۷۸	۶۸	۱۴۰۶	۲۳۷۵	۹۰۴	۶۲۲	۱۸۶۱	۱۲۰۲۵	۹۸۰	۱۰۸۳	۶۵۸	۱۰۶۴	۱۳۲۶	۱۷۴۶	۱۹۰۳	۳۷۷	۲۸۹۷۶
قم	۱۳	۰	۲۳	۰	۱۱	۶	۱۱۳	۲۷۰	۶	۱۵	۱۳	۱۴	۱۱	۲۱۶	۱۱۶	۱۸	۸۴۵
جمع کل	۶۳۶	۸۰	۱۷۳۷	۲۶۲۳	۹۹۶	۶۹۸	۲۱۲۷	۱۵۱۱۰	۹۸۹	۱۲۵۷	۷۰۹	۱۱۶۸	۱۴۷۸	۲۴۸۸	۲۲۰۴	۵۰۶	۳۴۸۰۶

مسلماً در این ارتباط فاصله بین این منطقه با گیلان و سابقه جابجاییهای بین استانی (از گیلان بسمت این استانها که در قالب مهاجرت‌های معکوس و بازگشتی به استان برمیگردند) از یک طرف و شبکه‌های ارتباطی مناسب از طرف دیگر موثر بوده‌اند، مضافاً اینکه بهره‌گیری از مزیت‌های

اکوتوریستی مهمترین دلیل گرایش به اسکان در نواحی روستایی استان از سوی مرکز نشینان کشور عنوان شده است (مطالعات میدانی، خرداد ۱۳۹۹).

۳. منطقه اصفهان: تعداد مهاجرین ورودی به روستاهای استان از این منطقه نیز قابل ملاحظه بوده و همانطور که جدول ۴ نشان می دهد در مجموع ۵۲۶۱ خانوار از این استان، روستاهای گیلان را برای سکونت موقت یا دائم برگزیده اند. دسترسی به منبع محیطی بویژه آب مهمترین دلیل خرید زمین و ساخت خانه دوم از سوی مهاجرین عنوان شده و در مرتبه بعد پیوندهای سببی یا نسبی و تشویق به سکونت در مناطق خاص دیگر دلیل هجرت به روستاهای گیلان عنوان شده است (مطالعات میدانی، خرداد ۱۳۹۹).

جدول ۴- مهاجرین ورودی از منطقه اصفهان به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

شرح	املش	آستارا	بانه اشرف	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاکل	شفت	فومن	بومعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
اصفهان	۱۴۲	۰	۱۸۴	۵۶۱	۵۱۹	۸۶	۵۵۱	۱۰۱۲	۳۶۸	۲۸۷	۶۶	۱۶۵	۲۲۳	۴۵۱	۵۲۳	۱۱۳	۵۲۶۱
جمع کل	۱۴۲	۰	۱۸۴	۵۶۱	۵۱۹	۸۶	۵۵۱	۱۰۱۲	۳۶۸	۲۸۷	۶۶	۱۶۵	۲۲۳	۴۵۱	۵۲۳	۱۱۳	۵۲۶۱

گرایش به اسکان از سوی مهاجرین اصفهانی هم در روستاهای مرکز استان (شهرستان رشت) و هم در شهرستان های شرق و غرب استان مشهود است. روستاهای لنگرود و لاهیجان در شرق استان و سکونتگاههای روستایی تالش، رضوانشهر، ماسال و فومن در غرب گیلان عمده ترین مقاصد اسکان شهروندان اصفهانی است. دامنه مهاجرت اصفهانی ها به این شهرستان به اندازه ای بوده که در ۲ روستای بخش اسالم تالش (گتگسر و پیرهرات) مهاجرانی اصفهانی توانسته اند به ترکیب شورای اسلامی روستا راه یابند. تداوم این جریان بانی شکل گیری گتوهای سکونت (شهرک زاینده رود در محدوده فومن) و هم بروز چالشهای اجتماعی (عمدتاً در منطقه تالش) بوده است. دامنه حضور مهاجرین اصفهانی تا شهرستان تالش بوده و مطابق مطالعات میدانی در شهرستان آستارا گزارشی از اسکان آنها بدست نیامد. با توجه به اهمیت موضوع اختلاط قومی و فرهنگی (بویژه تفاوت های مذهبی) بنظر می رسد که چالشهای اجتماعی ناشی از اسکان بی ضابطه و خارج از قاعده مهاجرین در روستاهای غرب گیلان نیاز به مطالعه عمیق و ژرفانگر دارد. بنابراین پیشنهاد می شود که بعنوان گام نخست این موضوع دستمایه انجام یک پژوهش قرار گرفته و با توجه به مصادیق قابل توجه از تنش های فرهنگی بوجود آمده ضمن تحلیل مسایل موجود در خصوص راهکارهای تعامل و چگونگی برون رفت از معضلات اجتماعی بوجود آمده راهکارهای مقتضی ارایه گردد.

۴. استان قزوین: این استان نیز بدلیل مجاورت با گیلان و مراودات اقتصادی دیرینه ای که در حوزه کالا و نیروی انسانی با گیلان داشته است بعنوان یکی از پایگاههای اصلی مهاجرت به روستاهای استان محسوب می شود. بر اساس مطالعات میدانی ۴۲۶۱ خانوار بصورت موقت یا دائم در سکونتگاههای روستایی گیلان استقرار دارند که نواحی روستایی شهرستان رشت عمده ترین

مقصد این مهاجرین محسوب می‌شود. روستاهای رودسر، لاهیجان و رودبار نیز از جمله مهمترین مقاصد اسکان از سوی مهاجرین استان قزوین محسوب می‌شوند. ضمن اینکه در محدوده شهرستان‌های سیاهکل و لنگرود نیز اسکان مهاجرین قابل توجه است.

جدول ۵- مهاجرین ورودی از استان قزوین به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

شرح	املس	استارا	ستانه اشرف	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	سومعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
قزوین	۸۷	۲	۹۹	۴۸	۲۴	۵۷۳	۹۳۱	۹۹۵	۰	۳۲۸	۱۰	۱۴	۶۴	۸۵۸	۲۲۲	۶	۴۲۶۱
جمع کل	۸۷	۲	۹۹	۴۸	۲۴	۵۷۳	۹۳۱	۹۹۵	۰	۳۲۸	۱۰	۱۴	۶۴	۸۵۸	۲۲۲	۶	۴۲۶۱

اسکان مهاجرین ورودی از استان قزوین با توجه به عملیات ساخت راه ارتباطی به سمت منطقه اشکورات و شرق گیلان احتمالاً به این منطقه میل خواهد کرد و بنظر می‌رسد روستاهای شرق گیلان عمده‌ترین مقصد برای سکونت در نواحی روستایی استان گیلان در سال‌های پیش رو باشد.

۵. غرب کشور و منطقه زاگرس: اطلاعات به دست آمده از مطالعات میدانی نشان می‌دهد که در مجموع ۲۴۱۷ خانوار مهاجر (عمدتاً بصورت موقت) از استانهای فوق در سکونتگاههای روستایی استان اسکان دارند که بیشترین میزان متعلق به استانهای همدان و مرکزی است. آمار بدست آمده نشان می‌دهد که دامنه حضور مهاجرین از استانهای ایلام و لرستان ضعیف‌تر از بقیه استانهای این منطقه است. روستاهای شهرستان رشت مهمترین مقصد افرادی است که از این استانها به سمت گیلان حرکت می‌کنند؛ ضمن اینکه اسکان در روستاهای شهرستان رودسر، انزلی، لاهیجان و آستانه اشرفیه نیز قابل توجه است.

جدول ۶- میزان مهاجرت از منطقه زاگرس و غرب کشور به روستاهای استان به تفکیک شهرستان

شرح	املس	استارا	ستانه اشرف	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	سومعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
ایلام	۰	۰	۰	۴۴	۰	۰	۰	۲۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۶۵
زنجان	۴	۰	۲۲	۰	۱۱	۷	۲۹	۲۰۲	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۱۰	۰	۲۹۷
کرمانشاه	۳	۰	۰	۶۴	۶	۰	۷۶	۱۹	۰	۱۹	۳	۰	۷	۰	۴۸	۰	۲۳۳
کردستان	۴	۰	۰	۵۶	۱۳	۰	۱۴	۱۸	۰	۱۹	۰	۲	۲	۰	۱۰	۰	۱۳۸
لرستان	۰	۰	۰	۰	۸	۳	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱۷
مرکزی	۰	۰	۵۹	۰	۲۱	۱	۹۵	۴۹۱	۶۷	۱۰	۰	۰	۰	۳۹	۳	۱	۷۸۷
همدان	۱۲	۰	۷۴	۳۶	۷	۲	۵۴	۴۹۵	۰	۱۲	۴	۰	۱۵	۱۳۷	۳۰	۲	۸۸۰
جمع کل	۲۳	۰	۱۵۵	۲۰۰	۶۶	۱۳	۲۶۸	۱۲۴۵	۶۷	۶۴	۸	۸	۲۴	۱۷۶	۸۱	۱۹	۲۴۱۷

۶. زاگرس جنوبی، خوزستان و بوشهر: از این منطقه جغرافیایی ۲۱۲۷ خانوار مهاجر به نواحی روستایی شناسایی شده است که بیشترین میزان متعلق به استان فارس با ۵۳.۸ درصد و سپس استان خوزستان با ۳۴.۵ درصد می‌باشد. مقصد این مهاجرین عموماً به روستاهای شهرستان رشت (حدود ۴۹ درصد) است. روستاهای لاهیجان، انزلی و آستانه نیز مهمترین پایگاه اسکان برای مهاجرین این استانها تلقی می‌شوند. با توجه به مطالعات میدانی مبنای مهاجرت از استانهای این منطقه (بویژه خوزستان، فارس و بوشهر) بسمت گیلان بیشتر به مشکلات اقلیمی مرتبط است

بطوریکه حجم مهاجرت از استانهایی که فشار اکولوژیک چندانی ندارند (چهارمحل بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد) کمترین میزان ثبت شده مهاجرت به استان را دارا هستند.

جدول ۷- توزیع جغرافیایی مهاجرین وارد شده از منطقه زاگرس جنوبی، خوزستان و بوشهر به تفکیک شهرستان

شرح	املش	آستارا	آستانه اشرفیه	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	صومعه سرا	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
خوزستان	۷	۰	۳۰	۰	۸	۳۰	۲۲	۴۰۵	۰	۴	۹	۶	۱۴	۱۷۷	۱۷	۶	۷۳۵
کهگیلویه و بویراحمد	۴	۰	۹	۰	۰	۰	۰	۶۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۰
چهارمحل و بختیاری	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۶
بوشهر	۱	۰	۱۵	۰	۰	۰	۰	۱۳۵	۳	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۶۰
فارس	۲۷	۰	۴۷	۱۸۳	۲۳	۸	۳۶	۴۳۳	۲۲	۲۴	۱۷	۲۰	۴۳	۱۵۸	۸۵	۲۰	۱۱۴۶
جمع کل	۴۲	۰	۱۰۱	۱۸۳	۳۱	۳۸	۵۸	۱۰۴۰	۲۵	۳۳	۲۶	۲۶	۵۷	۲۳۵	۱۰۵	۲۷	۲۱۲۷

۷. شرق و جنوبشرقی: مهاجرتها از این منطقه عموماً بدلیل ناملايمات اقلیمی و کمبود آب

صورت می‌گیرد و طبق مطالعات میدانی این طرح انگیزه ۷۵ درصد از مهاجرین از این منطقه و سکنی‌گزینی در استان گیلان بهمین دلیل بوده است. جالب است که مطابق با اظهارات مهاجرین سکونت موقت مقدمه‌ای برای اسکان دائم است. خراسان رضوی مهمترین استان مهاجرفرست بسمت گیلان محسوب می‌شود و استانهای هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان نیز انگیزه بالایی برای خرید زمین و ساخت بنا در روستاهای استان را دارند. نکته جالب این جدول عدم حضور مهاجر از استانهای خراسان جنوبی و شمالی است که جلب نظر می‌کند. روستاهای شهرستان رشت پایگاه اصلی اقامت مهاجرین از شرق کشور محسوب می‌شود ضمن اینکه ارقام اسکان در روستاهای شهرستان انزلی، آستانه اشرفیه، لاهیجان و رودسر نیز قابل توجه است. باستاند این آمار می‌توان گفت که تمرکز اقامت مهاجرین شرق کشور در روستاهای محدوده جلگه‌ای گیلان است.

جدول ۸- توزیع جغرافیایی اسکان مهاجرین شرق کشور در روستاهای استان به تفکیک شهرستان محل اقامت

شرح	املش	آستارا	آستانه اشرفیه	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سیاهکل	شفت	فومن	صومعه سرا	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
خراسان جنوبی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خراسان رضوی	۱۰	۰	۹۶	۷۳	۱۴	۲	۱۴۴	۹۲۲	۵	۱۵	۳	۵	۰	۷۴	۳۱	۴	۱۳۹۸
خراسان شمالی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
سیستان و بلوچستان	۴	۰	۱۴	۰	۲	۳	۰	۱۱۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱۳۸
هرمزگان	۰	۰	۰	۱۳۴	۱۱	۰	۴	۲۱	۰	۷	۱	۱	۰	۴۴	۱۴	۰	۳۳۷
کرمان	۲	۰	۸	۰	۱۸	۵	۱۳	۶۶	۰	۴	۱	۳	۰	۰	۱۵	۰	۱۳۵
جمع کل	۱۷	۰	۱۱۸	۲۰۷	۴۵	۱۰	۱۶۱	۱۱۲۳	۵	۲۶	۵	۱۰	۰	۱۱۸	۶۰	۴	۱۹۰۹

۸. منطقه خزری و سمنان: مهاجرین ورودی به روستاهای استان گیلان از این منطقه ۷۷۳

خانوار بوده است که ۷۸ درصد آنها متعلق به استان مازندران است. روستاهای استان گیلان در طول چهل سال اخیر همواره مورد توجه کشاورزان مازندرانی برای کشت و کار بوده‌اند. بخش

زیادی از مهاجرین وارد شده از استان مازندران نیز ساکن دایم بوده که بعنوان فعال اقتصادی در بخش کشاورزی با خرید زمین یا بر اساس شیوه‌هایی چون نصفه کاری، مزارعه، اجاره‌داری و غیره مبادرت به انجام فعالیت در مزارع استان گیلان می‌نمایند. در واقع این گروه از مهاجران خلاء ناشی از مهاجرفرستی از روستاهای استان را پر نموده و با توجه به شرایط اقلیمی همگن گیلان و مازندران، بهتر از عهده کشاورزی در گیلان برمی‌آیند.

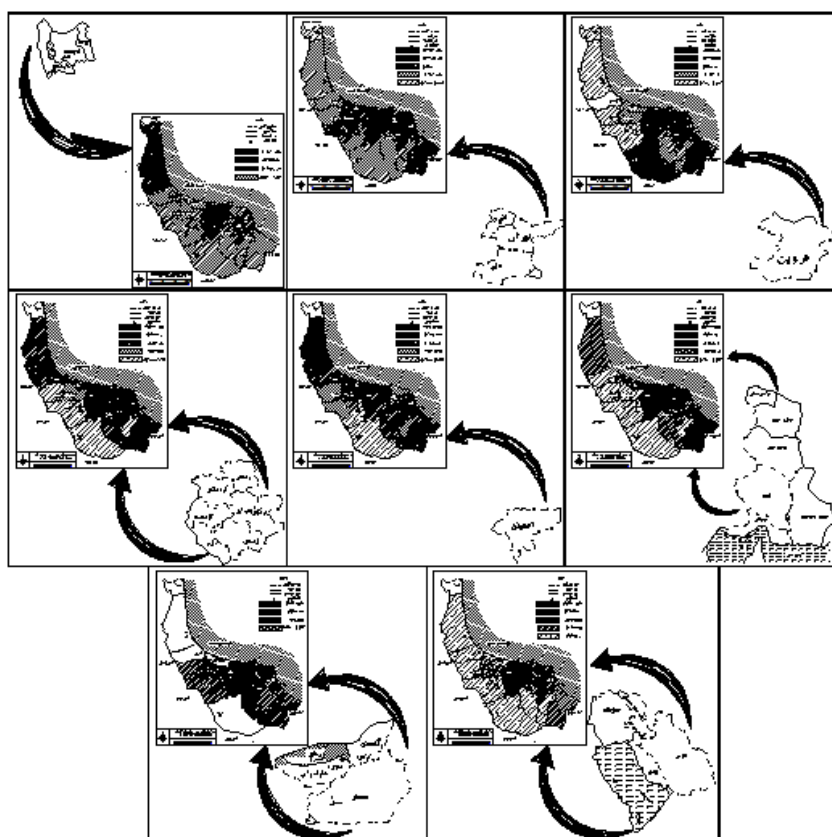
جدول ۹- توزیع جغرافیایی مهاجرین ورودی از منطقه خزری و سمنان ساکن در روستاهای استان

شرح	املش	آستارا	استانه اشرفیه	بندر انزلی	تالش	رودبار	رودسر	رشت	رضوانشهر	سياهکل	شفت	فومن	مجموعه سر	لاهیجان	لنگرود	ماسال	جمع کل
سمنان	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۱۰۳	۰	۰	۱۰۹
گلستان	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۹	۴۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۶۰
مازندران	۳	۰	۵۵	۰	۰	۰	۲۷	۴۵۰	۰	۲۳	۶	۴	۲۵	۰	۹	۲	۶۰۴
جمع کل	۶	۰	۵۸	۰	۰	۰	۳۶	۴۹۵	۳	۲۳	۶	۴	۲۵	۱۰۳	۱۲	۲	۷۷۲

بعد از شهرستان رشت که کوچگاه ۶۴ درصد از مهاجرین این منطقه بوده است، روستاهای لاهیجان، آستانه و رودسر نیز از مقاصد مهم مهاجرت از مازندران، گلستان و سمنان بوده‌اند. با توجه به تقسیم‌بندی فوق و نحوه توزیع و اسکان مهاجرین در روستاهای استان (علیرغم برخی مشکلات و مسائلی که در رابطه با آمار مهاجرین وجود داشت) و راستی‌آزمایی آنها در چند مرحله مشخص کرد که: (مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۹)

- خاستگاه اصلی مهاجرین ساکن در روستاهای استان گیلان از پایتخت و استان تهران می‌باشد.
- بر مبنای اطلاعات اخذ شده از ساکنان غیربومی در روستاهای استان انگیزه ۹۰ درصد افرادی که از استان‌های تهران و البرز به روستاهای استان مهاجرت می‌کنند برخورداری از مزیت‌های طبیعی، و اکوتوریستی است.
- جدای از استان‌های تهران و البرز، ۱۵/۴ درصد از مهاجرین از استان‌هایی هستند که دارای تنش آبی بوده (استان‌های مرکزی و جنوبی کشور) و بر این اساس می‌توان گفت که ناملایمات اکولوژیک در انتخاب روستاهای استان بعنوان سکونتگاه (موقت یا دائم) بسیار موثر بوده است.
- در فرآیند مهاجرت به روستاهای استان نقش عوامل اجتماعی بویژه پیوندهای نسبی و سببی در تمرکز جمعیت نقش‌آفرینی کرده است. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که در زیرگروه مسائل اجتماعی موثر در انتخاب محل اقامت پیوندهای اجتماعی تا ۷۰ درصد موثر بوده است.

- بیشترین تمرکز مهاجرین در بخش جلگه‌ای و ساحلی و منطقه داغ اسکان در روستاهای این منطقه است. بطوریکه حدود ۷۲ درصد مهاجرین در روستاهای پایین منحنی ۵۰۰ متر ساکن هستند.
- مهاجرینی که سکونت دائم دارند در محدوده‌های کوهستانی و اغلب در زمره مهاجرین برگشتی بوده‌اند که به زادگاه خود بازگشته و یا در یک روستای نزدیک محل تولد خود ساکن شده‌اند.



شکل ۴- الگوی اسکان مهاجرت و تحرک مکانی به روستایی استان به تفکیک خاستگاه و کوچگاه

تحلیل الگوهای مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان

توزیع جمعیت و چگونگی اسکان آنها در فضای جغرافیایی استان گواه این مطلب است که یکی از متغیرهای اساسی در این پراکنش، مهاجرت بسمت روستاها با انگیزه اسکان موقت یا دائم است. همانطور که ذکر شد مطابق بررسیهای میدانی این طرح کل جمعیت مهاجر ساکن در روستاهای استان حدود ۱۸۰ هزار نفر برآورد شده است. این تعداد جمعیت که روستاهای استان را برای سکونت انتخاب کرده‌اند تقریباً از همه استانها نماینده داشته و می‌توان گفت سکونتگاههای روستایی گیلان میزبان مهاجرینی از کل کشور است. برای تحلیل بهتر در خصوص الگوهای مهاجرت به نواحی روستایی استان مطالعات میدانی گسترده‌ای در روستاها انجام شد که رؤس عمده یافته‌های این پژوهش را در خصوص مهاجرت و بشرح زیر مشخص نمود:

- ◀ مجموعه مهاجرین ورودی به استان گیلان را بر حسب سنخ یا نوع مهاجرت می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: مهاجرین آزرده از نابسامانیهای شهر که روستا را گریزگاه و مامنی برای استراحت و گذران اوقات فراغت انتخاب می‌کنند (مهاجرت معکوس) دسته دوم افرادی که با ریشه روستایی در برهه‌ای از زمان به شهر مهاجرت کرده و پس از فراغت از کار و ایام بازنشستگی مجدداً به روستا بازگشته‌اند (مهاجرین بازگشتی) و بخش سوم ساکنان دائمی روستاها که محل کار آنها شهر است لیکن بدلالی روستا را بعنوان محل سکونت خود انتخاب نموده‌اند. این بخش از جمعیت عموماً در روستاهای بلافصل مراکز شهری (بویژه شهرهای پرجمعیت استان) اسکان داشته و روزانه بین روستا و شهر جابجا می‌شوند (جابجایی پاندولی) بدین ترتیب روستاهای بلافصل شهرها نقش خوابگاهی را برای مهاجران جویای کار به شهرهای بزرگ ایفا می‌کنند.
- ◀ تمرکز جغرافیایی مهاجرین بازگشتی عموماً در روستاهای نواحی کوهستانی استان و مهاجرین معکوس بدون استثناء جغرافیایی در تمامی روستاها دیده می‌شود. و همانطور که گفته شد جابجاییهای پاندولی در روستاهای نزدیک و همجوار با شهرهای بزرگ بیشتر قابل مشاهده است
- ◀ مهاجرتهای معکوس بسمت روستاهای استان تابعی از جریان مدرنیزاسیون (نوسازی جامعه) است. بر این اساس «اگرچه تحولات تاریخی مبتنی بر صنعتی شدن در کشورهای شمال و انتقال بخشی از فعالیتهای صنعتی به کشورهای جنوب باعث تشدید مهاجرتهای روستا-شهری شد» (سعیدی، ۱۳۷۷: ۶۰) ولی از اوایل دهه ۱۹۷۰ مهاجرت معکوس به عنوان یک روند جابجایی جمعیت نوظهور مورد توجه محققان حوزه مهاجرت قرار گرفت. برگشت جمعیت به مناطق روستایی، پیامدهای کاملاً متفاوتی نسبت به

مهاجرت‌های شهری دارد که این تفاوت را میتوان هم در سیستم استقرار و هم در سیستم‌های اجتماعی پیگیری نمود. بر این اساس، مهاجرت به‌عنوان روند ایجاد کننده تعادل در نظر گرفته می‌شود. در این وضعیت، مهاجرت با عنوان سیستم انتقال برای رسیدن به بالاترین سطح مدرنیزاسیون، به پایان راه رسیده است (قاسمی اردهایی و نوبخت: ۱۳۹۵: ۴۳). بنابراین شکل‌گیری و تعمیق حرکت جمعیت از شهرهای کشور بسمت روستاها از جمله روستاهای استان گیلان را می‌توان تابعی از جریان کلی و کلان تغییرات اجتماعی-اقتصادی کشور دانست.

◀ حرکت بسمت روستاهای استان گیلان از لحاظ شدت، و مبدا حرکت از نابسامانیهای اکولوژیک بویژه مخاطرات اقلیمی و کمبود منابع آب متاثر است. تاثیر ریزگردها، خشک شدن تالابها، کاهش شدید بارش و خشکی اقلیمی در بخش زیادی از کشور را می‌توان انگیزه‌های بسیار قوی برای جابجایی جمعیت از استانهای درگیر این آسیبها بسمت روستاهای استان گیلان دانست. اصطلاح «مهاجرت اکولوژیک» یا «آوارگان اقلیمی» که در سالهای اخیر برای تحلیل مهاجرت از مناطق مرکزی و جنوبی کشور بسمت شمال بکار گرفته می‌شود موید همین مسئله است.

◀ جریان مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان را می‌توان تابعی از «رونق گردشگری» و «گذران اوقات فراغت» در این مناطق دانست. روستاهای استان بدلیل مزیت‌های اقلیمی، پوشش گیاهی منحصربفرد، نظام زیستی متفاوت و تولیدات اقتصادی منحصربفرد، در کنار جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی همواره مورد توجه گردشگران و علاقمندان به سیر و سیاحت در محدوده‌های خارج از شهرها بوده است. بنابراین در کنار سایر عوامل در تحلیل الگوهای مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان نقش گردشگری و موج ناشی از تقاضا برای تملک زمین و ساخت مسکن در این نواحی را می‌توان بسیار تاثیرگذار دانست.

نتیجه‌گیری

در چند دهه گذشته استان گیلان اشکال مختلفی از مهاجرت جمعیتی را تجربه کرده است: مهاجرت از بخش شمال غربی کشور (عمدتاً از استان اردبیل)، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به مقصد شهر رشت به عنوان مرکز استان و سایر شهرهای بزرگ استان و مهاجرت از سایر مناطق کشور (خصوصاً جنوب و مرکز کشور) به استان است که در یک دهه اخیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. از بین این سه مدل مهاجرت جمعیتی، مدل سوم به این دلیل که به‌صورت گسترده در سطح مناطق شهری و روستایی استان در حال وقوع است (برخلاف دو مورد قبلی که بر

روی شهر رشت متمرکز بود) و طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی و فرهنگی از نقاط مختلف کشور را در بر می‌گیرد، ماهیت متفاوتی دارد. در حالی که دو مدل اول منجر به تغییر الگوی زندگی شهری در مرکز استان شده‌اند، مدل جدید مهاجرت سبب تغییر الگوی سکونت شهری-روستایی در کل استان خواهد شد.

با این همه، بر اساس پیش‌بینی کارشناسان چنین برآورد می‌شود که با افزوده شدن روند مهاجرت‌ها به استان گیلان، احتمالاً جمعیت استان (در قالب مهاجرین دائم و جابجایی‌های موقت) طی ۱۰ سال آینده به دو برابر افزایش یابد و در نتیجه این امر بر کلیه جوانب حیات انسانی و محیطی در استان اثر خواهد گذاشت. بنابراین ضرورت دارد تا با بهره‌گیری از مزایای حضور و اسکان مهاجرین، از آسیب‌های احتمالی ناشی از این حرکت جمعیتی در مناطق روستایی استان جلوگیری نمود.

این پژوهش نشان داد که خانوار مهاجر (در قالب ۱۸۰۴۸۷ نفر) که به روستاهای استان گیلان مهاجرت و بصورت موقت یا دائم اسکان دارند، ضمن اینکه حدود پنجاه هزار مورد خرید زمین توسط غیربومیان در سطح روستاها شناسایی شده که هنوز ساخت و سازی در آنها انجام نشده است. خاستگاه اصلی مهاجرین ساکن در روستاهای استان گیلان از پایتخت و استان البرز می‌باشد و انگیزه ۹۰ درصد افرادی که از استانهای تهران و البرز به روستاهای استان مهاجرت می‌کنند برخورداری از مزیت‌های طبیعی، و اکوتوریستی است. جدای از استانهای تهران و البرز، ۱۸.۵ درصد از مهاجرین از استانهایی هستند که دارای تنش آبی (استانهای مرکزی و جنوبی کشور) هستند. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که مسائل اجتماعی بویژه پیوندهای اجتماعی تا ۷۰ درصد در انتخاب محل اقامت (کوچگاه) موثر بوده است (مبنای شکل‌گیری محلات، کوی و ... شکل‌گیری مهاجرت زنجیره‌ای) بیشترین تمرکز مهاجرین در بخش جلگه‌ای و ساحلی و منطقه داغ اسکان در روستاهای این منطقه است. به طوری که حدود ۷۲ درصد مهاجرین در روستاهای پایین منحنی ۲۰۰ متر ساکن هستند.

به طور کلی دو رویکرد به مسأله مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان می‌توان برشمرد: اول برخورد منفی با این امر و مقابله با مهاجرت که در این رویکرد بر جنبه‌های منفی ناشی از مهاجرت از سایر مناطق کشور به استان گیلان تاکید می‌شود. در رویکرد دوم مهاجرت به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر است و چنین نظری وجود دارد که ایرانیان برای سکنی گزیدن در هر منطقه از کشور از آزادی کامل برخوردار هستند و این امر استان گیلان را مستثنی نمی‌سازد. علاوه بر این مهاجرت می‌تواند با ورود سرمایه انسانی و اقتصادی قابل توجهی همراه باشد. در این راستا پیشنهادات زیر جهت مدیریت بهتر بر این پدیده پیشنهاد می‌شود:

- تشکیل کارگروه مهاجرت در استانداری و رصد حوادث و مسایل مرتبط و اخذ تصمیمات لازم
- تشکیل بانک اطلاعاتی در دفاتر دهیاری برای اطلاع دقیق از ابعاد کمی و کیفی مهاجرت. اجرایی کردن سیاست‌های پنجگانه فوق نیازمند اطلاعات به روز و دقیق است که با توجه به اشراف مدیران محلی بر تحولات اجتماعی روستاها، ثبت داده‌ها و اسناد مرتبط با مهاجرین از طریق آنها امکان‌پذیر خواهد بود.
- تدوین و اجرای قوانین مهاجرتی بصورت منطقه‌ای برای استان و در تعامل با مدیران استانهای ساحلی شمال برای کل ناحیه خزری.
- فعال کردن گروههای مطالعاتی در دانشگاهها برای پژوهش در ابعاد مهاجرت و تحلیل پیامدهای آن جهت ارائه راهکارهای اجرایی به مسئولین ذیربط

بخش حمایت‌کننده

این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی تحت عنوان «تحلیل الگوهای مهاجرت و تحرک مکانی به نواحی روستایی استان گیلان و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و امنیتی آن» است که با حمایت و همراهی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان به انجام رسیده است.

منابع

- امانپور، سعید (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر شکل‌گیری مهاجرت بازگشتی (موردشناسی: بخش مرکزی شهرستان دزفول)، *جغرافیا و آمایش شهری*، شماره ۲۹، ص ۳۷-۶۰.
- ارشاد، فرهنگ و صدف مینا (۱۳۸۹). مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن، *فصلنامه تحلیل اجتماعی*، شماره ۵۹، ص ۱-۲۸.
- برومندزاده، محمدرضا و رضا نوبخت (۱۳۹۳) مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۹ و ۹۰، ص ۷۳-۹۰.
- پایدار، ابودر (۱۳۹۸). محرکهای مهاجرت بازگشتی را در روستاهای پیرامون شهر زاهدان، *دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری*، شماره ۱۵، ص ۲۰-۳۸.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت، *فصلنامه پژوهش*، شماره ۴۱، ص ۳۵-۴۶.
- حسینی، قربان و همکاران (۱۳۹۷). روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استانهای ایران، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره ۳۱، ص ۱-۱۸.
- حسینی، قربان و سعیدخانی (۱۳۹۸). روند و الگوهای مهاجرت در استانهای مرزی کشور، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال بیستم، شماره ۴، ص ۹۳-۱۱۴.

- رضایی، احمد (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی در گیلان، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ششم، شماره ۱، ص ۱۴۰-۱۲۳.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۴) *مهاجرت*، تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). *مبانی جغرافیای روستایی*، تهران: انتشارات سمت.
- شاریه، زان برنار (۱۳۷۳). شهرها و روستاها، ترجمه شادروان سیروس سهامی، نشر نیکا.
- شهبازین، سعیده و دیگران (۱۳۹۶). تغییرات الگوهای سکونتی ایران با تأکید بر مهاجرت داخلی، *مطالعات جمعیتی*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۵۳-۱۸۷.
- شجاعی، جواد (۱۳۹۲). سیاستهای آمایش سرزمین، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۵ و ۸۶، ص ۲۱-۴۱.
- صادقی، رسول و محسن شکریانی (۱۳۹۶). تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران، *فصلنامه توسعه محلی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ص ۲۴۵-۲۷۰.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا شهری، *فصلنامه مدرس*، دوره ۶، شماره ۲، ص ۴۱-۶۰.
- ظاهری، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیر گذار بر آن، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۰۲، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- علی بابایی، محبتی و محمد جمعه‌پور (۱۳۹۵). فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو شهرستان کبودرآهنگ)، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، سال ۵، شماره ۴، ص ۹۱-۱۰۵.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، مهاجرت از روستا به شهر، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۱۰، ص ۱۶-۲۹.
- قاسمی، مریم و دیگران (۱۳۹۳). تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، شماره ۱۶، ص ۱۵-۳۷.
- قاسمی اردهایی، علی و رضا نوبخت (۱۳۹۵). علل و تعیین‌کننده‌های جریانهای مهاجرت معکوس در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یازدهم، شماره ۲۱، ص ۴۱-۷۰.
- قلندریان، ایمان و هاشم داداش‌پور (۱۳۹۶). تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت بین شهرستانی در فضای سرزمینی ایران، *نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، شماره ۶۲، ص ۲۲۳-۲۴۶.
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه دکتر حسین محمودیان انتشارات دانشگاه تهران.
- منافی آذر، رضا و دیگران (۱۳۹۶). مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاههای روستایی مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میان‌دوآب، *فصلنامه برنامه‌ریزی سکونتگاههای انسانی*، شماره ۳۸، ص ۱۷۹-۱۹۷.

میخک، حسین، فرشته حافظی و طاهره صادقلو (۱۳۹۹). علل و انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی در میان مهاجران روستایی را در شهرستان خرم‌آباد، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۲۸۵-۲۷۰.

میرزامصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر مهاجر تهای استانی با استفاده از مدل جاذبه، فصلنامه سیاست تهای مالی و اقتصادی، شماره ۳، ص ۹۶-۷۱.

Anh. N. (2003). "Internal Migration Policies in ESCAP Region", Asia-Pacific Population Journal, 18(3): 123- 145.

Barbieri, A.F et al (2010). climate change and population migration in Brazil, s Northeast: scenarios for 2025-2050, popul Environ, No.31: pp344-370.

Dallmann, I and Millock. K (2013). Climate variability and Internal migration: A Test on Indian interstate migration, CES Working Paper, version 1, 24 may.

Hui Xu (2010). Return Migration, Occupational Change, and Self-Employment, , China Perspectives [En ligne], 2010.

Kim, W.B. (1988). "Population Redistribution Policy in Korea: A Review Population Policy", Research and Policy Review, 3: 49-77.

Pacion, m (1985). Rural Geography, Harpper and Row Publishers.

Paul Castle, Sawsan Bastawy (2018). Back to the village? Motivations for leaving and prospects for return Rural-urban migration in Bangladesh and Senegal.

Waldinger, M., (2015). "The effects of climate change on internal and international migration: Implications for developing countries", London: School of Economics and Political Science.

Wiltshire Richard (1979). Research on reverse migration in japan: reverse migration and the concept of "U-Turn", tohoko university repository.